



بررسی ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم انقلاب با قاعده نفی سبیل

عقیل یوسفی زارمی* مریم طوسی*

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب با هدف تبیین چشم‌انداز چهل‌ساله دوم انقلاب تدوین و ابلاغ گردید. بی‌شک فقرات این بیانیه مبتنی بر مبانی قرآنی است و اگر بخواهد این بیانیه مبتنی بر داده‌های قرآن و سنت مورد بررسی قرار گیرد، یکی از موارد آن بررسی آن با قواعد فقهی است و به مناسبت روح حاکم بر این بیانیه از جمله این قواعد، «قاعده نفی سبیل» است؛ چرا که استناد مسائل و مباحث سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و... به این قاعده و دیگر قواعد با توجه به منشأ و حیاتی بودن آنها موجب اطمینان خاطر خواهد شد. این قاعده به طور مستقیم برگرفته از آیات و روایات است و می‌توان ابعاد مختلف بیانیه از جمله ابعاد فرهنگی آن را با آن مورد بررسی قرار داد. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای در پی آن است تا با استناد به «قاعده نفی سبیل» هرگونه تسلط و برتری بیگانگان در ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم را مورد تحلیل قرار دهد. یافته‌ها مبین این حقیقت است که: اولاً رهبر معظم انقلاب با ظرافت تمام، در ابعاد مختلف بیانیه، از جمله ابعاد فرهنگی به این قاعده پایبند بوده‌اند. ثانیاً، با بهره‌گیری از مبانی، اصول و قاعده یاد شده در صدد نفی هرگونه تسلط بیگانگان در ابعاد فرهنگی جامعه اسلامی همچون علم و دانش، رسانه و سبک زندگی بوده‌اند. به گونه‌ای که اگر این حساسیت‌ها، دقت‌ها و پایبندی‌ها به مبانی، اصول و قواعد اسلام و انقلابی نبود، پیامدهای جبران‌ناپذیری متوجه آتیه انقلاب و جامعه اسلامی و انقلابی ایران می‌بود.

واژگان کلیدی: فرهنگ، بیانیه گام دوم انقلاب، قواعد فقهی، قاعده نفی سبیل.

* دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان، جامعه المصطفی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث (نویسنده مسئول):

ayosefi1988@yahoo.com.

* طلبه سطح سه، جامعه الزهرا (سلام الله علیها)، تخصصی فقه و اصول: mt1372@yahoo.com



مقدمه

در رابطه با میزان ارتباط کشورها و حکومت‌ها در طول تاریخ دیدگاه‌های مختلفی وجود داشته است. این اختلاف دیدگاه‌ها درباره نوع ارتباط حکومت و نظام انقلابی و اسلامی حاکم بر ایران با دیگر حکومت‌ها و کشور نیز وجود داشته و دارد. در طول چهل سال گذشته موافقان و مخالفان، درباره اصل این ارتباط و یا چگونگی و حد و اندازه آن دیدگاه‌های متفاوتی داشته و ابراز کرده‌اند که البته سزاوار کنکاش و بررسی علمی است. بیانات و تراش به جای مانده از معمار انقلاب اسلامی ایران، یعنی حضرت امام خمینی رضوان‌الله علیه و نیز بیانات و موضع‌گیری‌های خلف صالح ایشان مقام معظم رهبری حفظه‌الله، حاوی رویکرد و دیدگاه شفاف و روشنی است. این دیدگاه روشن می‌تواند چراغ راه کسانی باشد که در این حوزه به دنبال راه درست ارتباط با بیگانگان می‌باشند.

در این میان، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به عنوان دکتترین این انقلاب برای چهل ساله دوم می‌باشد، طبیعتاً به همه ابعاد انقلاب، از جمله سیاست‌های کلی در زمینه نوع و چگونگی ارتباط با بیگانگان ورود داشته است. بررسی علمی این بیانیه که یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد بر صاحب نظران این حوزه فرض است. از جمله این بررسی‌های علمی، مطالعه تطبیقی در ارتباط با این بیانیه و اصول و قواعد دینی است. نوشتار حاضر متکفل بررسی و تطبیق ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با «قاعده نفی سبیل» است. هدف، بررسی این مسئله است که، مقام معظم رهبری به عنوان سکان‌دار کشتی انقلاب در دریای پرتلاطم عصر حاضر، چگونه با بهره‌گیری از قاعده فقهی نفی سبیل، راه نفوذ بیگانگان در ارکان این نظام مقدس اسلامی، به ویژه در ابعاد فرهنگی آن را سد کرده است. به گونه‌ای که هم نظام اسلامی در چارچوب مبانی و اصول پذیرفته شده اسلام و راهبردهای



حکمت، عزت و مصلحت، با نظام‌های بین‌الملل تعامل داشته و از آن سود ببرد و هم استقلال نظام، به ویژه در ابعاد یاد شده محفوظ بماند.

قاعده «نفی سبیل» یک اصل پذیرفته شده نزد اندیشمندان بزرگ به ویژه فقیهان و اصولیون و مفسران گران‌قدر در معارف اسلامی است. این قاعده مبتنی بر دو منبع غنی آیات شریفه قرآن و سنت معتبر بوده و بررسی تطبیقی ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم با این قاعده و میزان دلالت قاعده فقهی مذکور در این ابعاد، گامی در جهت شناسایی نقاط قوت بیانیه و معرفی آن به اندیشمندان و محققان در این حوزه مطالعاتی و نیز زمامداران و کارگزاران نظام اسلامی است. به همین منظور، ابتدا به بررسی قاعده نفی سبیل و طرح دیدگاه‌ها درباره آن خواهیم پرداخت و سپس ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم را بر اساس آن قاعده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

پیشینه پژوهش

۱. کتاب «بررسی مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی» که نویسنده آن هادی خوشنودی و سید محمد حیدری خورمیزی می‌باشند و انتشارات مصباح اندیشه وابسته به دانشکده شهید محلاتی سپاه پاسداران به چاپ آن پرداخته است. در این کتاب مبانی ریشه‌ای بیانیه، فقه و اخلاق، فقه و اقتصاد، مبانی فقهی عدم تسلط کفار، مبانی فقهی عدالت و مبارزه با فساد و مبانی فقهی سبک زندگی مطرح شده و در آن به بررسی تطبیقی ابعاد فرهنگی بیانیه با قاعده نفی سبیل پرداخته نشده است.
۲. مقاله «بررسی بیانیه گام دوم انقلاب بر اساس قاعده نفی سبیل» که نویسنده آن آقای محمد کاکاوند می‌باشد و در کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن ساز در بیانیه گام دوم اراده شد. در این مقاله با توجه به قاعده نفی سبیل به بررسی مباحثی چون روی پای خود ایستادن، عزت ایران و ایرانی، عدم میل و اعتماد به غرب و نداشتن رابطه



صمیمانه با غرب پرداخته شد و بحثی از مباحث فرهنگی بیانیه در آن صورت نگرفته است.

مفهوم شناسی

۱- فرهنگ

فرهنگ به معنای «علم، دانش، ادب، معرفت و تعلیم و تربیت» (عمید، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۵۳۶) و همچنین به معنای «نیکویی تربیت و پرورش، بزرگی و عظمت و بزرگواری، دانش و حکمت و هنر، علم و معرفت» (نفیسی، ۱۳۱۸: ۲۵۵۷/۴) تعریف شده است. جامعه شناسان تعاریف بسیاری از مفهوم فرهنگ ارائه داده‌اند. اولین بار «ادوارد تایلر» انگلیسی فرهنگ را «مجموعه پیچیده و به هم پیوسته‌ای از دانش اعتقادات، قوانین، هنر، آداب و رسوم و عادات و تمام آنچه فرد به عنوان عضوی از جامعه از اجتماع افراد خود می‌گیرد» تعریف کرده و «بواس» فرهنگ را «آن دسته از رفتارهای مشترک بین گروهی از انسان‌ها که از نسلی به نسل دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر قابلیت انتقال دارد» تعریف نمود و «مایرس» «چیزی را که از گذشته آدمیان باز مانده، در حال حاضر ایشان به آن عمل می‌کند و آینده خود را شکل می‌دهد» فرهنگ نامیده است. (صداقتی فرد، ۱۳۸۶: ص ۷۳). بر این اساس، فرهنگ از نگاه جامعه شناسان، شامل تمام اعتقادات، علم، هنر، آداب و رسوم، رفتارهای مشترک، و ... در هر جامعه‌ای می‌شود.

۲- قاعده فقهی

قاعده فقهی یا قاعده فقیه، عبارت است از یک حکم کلی که در همه ابواب گوناگون فقه جاری است. و به تعبیر دیگر، مقصود از قواعد فقیه، آن دسته از احکام کلی است که در ابواب گوناگون فقهی و موضوعات فقهی جاری و منشأ استنباط احکام جزئی است. به اعتقاد



مرحوم شیخ انصاری، قاعده فقهی برخلاف قاعده اصولی، مختص مجهد نبوده و اجرای آن مشترک بین مجتهد و مقلد است. (شیخ انصاری/ ج ۲/ ص ۵۴۴)

۳- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

بیانیه گام دوم انقلاب، نوشتاری با عنوان بیانیه است که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیه الله العظمی امام خامنه‌ای حفظه الله، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی رضوان الله علیه در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر گردید. ایشان در این بیانیه با تأکید بر استمرار راه انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، به تبیین دستاوردهای چهل سال گذشته می‌پردازند. رهبر معظم انقلاب در این بیانیه با هدف جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی توصیه‌هایی را خطاب به قشرهای مختلف جامعه انقلابی ایران، به ویژه جوانان بیان فرمودند.

بررسی قاعده نفی سبیل

قاعده نفی سبیل، از جمله قواعدی است که فقها با تمسک به آن به استنباط حکم و اقدام می‌کنند. خود این قاعده مهم، با استفاده از مجموعه‌ای از آیات شریفه قرآن و روایات معصومین سلام الله علیهم قابل اثبات و استفاده است. از آنجا که با بررسی ادله این قاعده مراد از آن روشن خواهد شد، ابتدا به بیان ادله اثبات قاعده خواهیم پرداخت.

ادله قاعده

۱- مستند قرآنی

خداوند متعال در قرآن کریم در رابطه با تسلط و برتری کافران بر مؤمنان می‌فرماید:
«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمُ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۱)؛ «منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب



شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنایم شریکیم!) «و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان سیطره و برتری نداده است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: نساء، ۱۴۱).

دیدگاه‌ها

برای توضیح و روشنگری مراد از آیه ابتدا به بیان دیدگاه‌ها خواهیم پرداخت تا مراد از آیه روشن گردد.

الف: دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

به نظر مرحوم علامه (ره) آیه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/ ۱۴۱) به این معناست که حکم در روز قیامت به نفع مؤمنین است و به ضرر کفار و هرگز مطلب برعکس نخواهد شد. و ممکن است آیه هم مربوط به آخرت و هم مربوط به دنیا باشد، زیرا مؤمنین تا زمانی که ملتزم به لوازم ایمان باشند به اذن الهی همیشه پیروز و غالب خواهند بود «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خطاب «کم» در این جمله متوجه مؤمنین است، هرچند که پر آن منافقین و کفار را نیز می گیرد و اما اینکه فرمود: و خدای تعالی هرگز کفار را ما فوق مؤمنین و مسلط بر آنان قرار نمی دهد، معنایش این است که حکم از امروز به نفع مؤمنین و علیه کافران است و تا ابد نیز چنین خواهد بود و هرگز به عکس نمی شود و این خود اعلامی است به منافقین که دیگر برای ابد از اینکه به هدف شوم خود برسند مأیوس باشند و به حکم این آیه در همه دوره‌ها بالآخره فتح و پیروزی از آن مؤمنین و علیه کافران خواهد بود.



احتمال هم دارد که نفی سبیل اعم از تسلط در دنیا باشد یعنی منظور این باشد که کفار نه در دنیا مسلط بر مؤمنین می شوند و نه در آخرت، و مؤمنین به اذن خدا دائماً غالب اند، البته مادام که ملتزم به لوازم ایمان خود باشند، هم چنان که در جای دیگر این وعده را صریحاً داده است». (طباطبایی، ۱۴۱۷: جلد ۵، ص ۱۱۶)

ب: دیدگاه آیت الله مکارم شیرازی

حضرت آیت الله مکارم آیه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ را صرفاً عدم پیروزی و تسلط کفار از نظر منطبق بر افراد با ایمان و یا پیروزی‌های نظامی و مانند آن نمی‌داند. بلکه معتقدند کلمه «سبیلًا» به اصطلاح ادبیات عرب از قبیل نکره در سیاق نفی است و معنی عموم را می‌رساند. بر این اساس کافران نه تنها از نظر منطبق و گفتار و یا از نظر نظامی، بلکه علاوه بر آن، از بعد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر مؤمنین، چیرگی و سیطره نخواهند شد.

البته اگر اکنون و در عصر حاضر شاهد پیروزی و تسلط آنها بر مسلمانان و بلاد اسلامی در میدان‌های مختلف هستیم به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان مؤمنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان و وظائف و مسئولیت‌ها و رسالت‌های خویش را به کلی فراموش کرده‌اند، نه خبری از اتحاد و اخوت اسلامی در میان آنان است و نه جهاد به معنی واقعی کلمه انجام می‌دهند، و نه علم و آگاهی لازم را که اسلام آن را از لحظه تولد تا لحظه مرگ بر همه لازم شمرده است دارند، و چون چنانند طبعاً چنینند! جمعی از فقهاء در مسائل مختلف به این آیه برای عدم تسلط کفار بر مؤمنان از نظر حقوقی و حکمی استدلال کرده‌اند و با توجه به عمومیتی که در آیه دیده می‌شود این توسعه زیاد بعید به نظر نمی‌رسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴:

ج ۴، ص ۱۷۶)



ج: دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام رضوان الله علیه علاوه بر نگاه فقهی به قاعده نفی سبیل، نگاه سیاسی و حکومتی نیز به آن دارند و این قاعده را یکی از قواعد مهم استنباط آموزه‌های سیاسی اسلام می‌دانند. ایشان آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» را که مستند اصلی این قاعده است محور و اساس همه آموزه‌های سیاسی اسلام بر شمردند. از دیدگاه حضرت امام رضوان الله علیه حاکمیت قاعده نفی سبیل بر رفتار مسلمانان در جوامع اسلامی به این معناست که هر عملی که منجر به تسلط کافر بر مسلم شود خواه عمل فردی و شخصی باشد یا جمعی و عمومی شرعاً جایز نبوده و حرام است. از دیدگاه ایشان در آیه شریفه، مطلق سبیل نفی شده چه مربوط به مقام تکوین باشد و چه مربوط به مقام تشریح. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۷۲۲). بر اساس دیدگاه‌های بیان شده، آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، اولاً، مهم‌ترین دلیل اثبات قاعده نفی سبیل می‌باشد. ثانیاً، این آیه و نیز قاعده نفی سبیل بر نفی هر نوع برتری و تسلط کافر بر مسلمان در عالم تشریح و علاوه بر آن در عالم تکوین دلالت داشته و بر این اساس می‌توان از آن در عدم جواز هر نوع تسلط کافر بر مسلم در عالم تکوین و نیز در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، حاکمیتی، علمی، اقتصادی و ... تمسک جست.

۲- مستند روایی

دومین دلیل برای اثبات قاعده نفی سبیل روایتی از امام صادق علیه السلام است. ایشان از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند که فرمودند: «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفْرَانُ بِمَنْزِلَةِ الْمُوتَى لَا يَخْجُبُونَ وَلَا يَرْتُونَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۳۳۴)؛ خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است و کافران به منزله مرده‌اند؛ مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند.



اولاً، روایت از جهت سند تمام و غیر قابل خدشه است. زیرا، هرچند فاقد سند است ولی مشهور و معروف است (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/۱۹۰) چرا که به صورت مرسل نقل شده است همچنین مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه این روایت را در کتاب شریف من لا یحضره الفقیه نقل کرده است. مرحوم صدوق در مقدمه کتاب تذکر داده است که تمام روایات این کتاب معتبر است. البته اگر کسی احیاناً نسبت به سند آن دغدغه‌ای داشته باشد ضعف سند آن با عمل اصحاب جبران می‌شود. زیرا جمع کثیری از فقها به آن استناد کرده و بر اساس آن فتوی داده‌اند. (طاهری، ۱۳۸۷: ص ۳۴۴. بجنوردی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۱۹۰) ثانیاً، از جهت دلالت، عبدالمهی معتقد است که «مراد رسول خدا (ص) مقام تشریح بوده است، نه مقام اخبار از برتری اسلام از جهت حجت و برهان. بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله دال بر این است که اسلام قوانین آن به گونه‌ای است که در مقام اجرا و عمل باید علو و برتری مسلمان بر کافر مراعات شود و نباید عمل و اجرای این قوانین سبب فراهم شدن زمینه هیچ نوع سلطه و برتری کافر بر مسلمان شود. بر این اساس، هر عقد، ایقاع و رابطه‌ای که سبب هر نوع برتری و علو کافر بر مسلمان باشد، باطل و اقدام و التزام به آن برای مسلمان حرام است» (عبدالمهی، ۱۴۰۰: ص ۱۶۴).

۳- تناسب حکم و موضوع

یکی دیگر از ادله اثبات قاعده نفی سبیل تناسب حکم و موضوع است. با این توضیح که خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون / ۸): آنها (پنهانی) می‌گویند اگر به مدینه مراجعت کردیم البته باید اربابان عزت و ثروت (یهودیان) مسلمانان ذلیل را از شهر بیرون کنند و حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است ولیکن منافقان از این معنی آگاه نیستند.



در این آیه شریفه خداوند عزت را صرفاً به خود و رسول خود و مؤمنین نسبت داده و از دیگران نفی کرده است. در این صورت چگونه ممکن است خداوند حکمی را جعل، تشریح و یا امضاء کند که سبب برتری کافر بر مؤمن و مسلم شود!

به بیان مرحوم آیه الله فاضل لنکرانی، از دیدگاه فقها، چنین استدلالی از باب عمل به ظن نبوده بلکه از باب تنقیح مناط قطعی است و بالاتر از آن، به طور مستقیم از ادله لفظیه به دست می‌آید. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ص ۲۴۱). بنابراین، تناسب حکم و موضوع، با توضیحی که داده شد، دلالتی قوی برای اثبات قواعدی مانند قاعده نفی سبیل خواهد داشت.

۴- اجماع

چهارمین دلیل در جهت اثبات «قاعده نفی سبیل» اجماع است. همه فقها اجماعاً بر این امر مهم اتفاق نظر دارند که در اسلام هیچ حکمی نباید موجب هر نوع برتری و تسلط کافر بر مسلمان شود. (بجنوردی، ۱۳۷۷: ص ۱۹۱)

از مجموع آنچه در رابطه با ادله «قاعده نفی سبیل»، خصوصاً آیه شریفه، یعنی مهم‌ترین دلیل اثبات قاعده به دست می‌آید که، این قاعده به صورت قطعی بر نفی هرگونه برتری و تسلط کافران بر مسلمانان دلالت دارد. هرچند در نگاه اولیه احیاناً این قاعده مربوط به عالم تشریح است، اما از دیدگاه مفسران و فقها می‌توان آن را مربوط به عالم تکوین نیز دانست. حضرت امام (ره) آن را مربوط به مباحث سیاست و حاکمیت نیز می‌دانند و آیت‌الله مکارم معتقدند که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد.

در نتیجه بر اساس قاعده نفی سبیل، هرگونه برتری و تسلط کافر بر مسلمان و هرگونه سلطه و سیطره بیگانگان، به ویژه در ابعاد فرهنگی بر سرنوشت مسلمانان منتفی است. بر همین



اساس، هم در مقام تقنین و قانون گذاری و هم در مقام اجرا، هر نوع سیاست گذاری و تصمیم گیری و عملی در همه ابعاد فردی و اجتماعی و فرهنگی که دارای چنین پیامدی برای مسلمانان و جامعه اسلامی باشد جایز نخواهد بود.

تطبیق سازی قاعده نفی سبیل

تطبیق قاعده نفی سبیل بر ابعاد فرهنگی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی همچنان که پیش از این در مقام تعریف واژه‌ها و مفاهیم گذشت، از جمله مهم ترین مصادیق و عناصر فرهنگ، مواردی نظیر علم و دانش، رسانه و سبک زندگی است. به همین جهت، در این بخش مطالعه‌ای تطبیقی خواهیم داشت تا ببینیم در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چگونه قاعده فقهی نفی سبیل بر عناصر و ابعاد مهم فرهنگی تطبیق داده شد.

الف) علم و دانش

یکی از مهم ترین ابعاد فرهنگ علم و دانش است و یکی از عناصر فرهنگی در هر جامعه و هر حاکمیتی و تمدنی بعد علمی آن می باشد. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در این رابطه می فرماید: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگری دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوست ساله فراهم کند و باوجود تهیدستی در بنیان های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه های دانش در میان خود اصرار می ورزیم» (متن بیانیه گام دوم).

ایشان در این قسمت از بیانیه، از علم و دانش به عنوان آشکارترین وسیله عزت و قدرت نام بردند. وسیله ای که داشتن آن یک کشور را از سلطه پذیری و ذلت باز داشته و باعث تولید قدرت و ثروت می شود. بر این اساس، وجود علم و دانش، به عنوان یکی از عناصر مهم



فرهنگ در یک مملکت، از بهترین ابزار برای نفی سلطه‌پذیری و نفی تسلط بیگانگان بر آن مملکت می‌باشد. ت. در واقع رهبر معظم و بیدار انقلاب، در این فقره با تکیه بر قاعده نفی سبیل، تولید دانش در مملکت اسلامی را وسیله مناسبی برای نفی هرگونه سیطره و سلطه بیگانگان کافر و دشمنان جامعه اسلامی و انقلابی می‌داند.

روی دیگر بیان رهبری انقلاب، علاوه بر تأکید بر لزوم علم‌آموزی و تولید دانش، بحث با اهمیت اسلامی سازی علوم انسانی است. ایشان می‌فرمایند «اینکه بنده درباره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رائج است، محتواهایی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی این‌ها رائج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند». (دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۲۹/۰۷/۱۳۸۹)

در واقع تأکید حضرت ایشان بر علم‌آموزی و تولید دانش از سویی و اسلامی سازی علوم و دانش‌های موجود، برای تولید قدرت و ثروت در ممالک اسلامی، خود محصول توجه به قاعده نفی سبیل از سوی ایشان است. به اعتقاد حضرت آقا، بیگانگان هم در بعد محتوی علوم وارداتی و هم در بعد هدف‌گذاری این علوم، در اندیشه تربیت نیروهایی هستند تا از این طریق به مقدرات جوامع اسلامی مسلط شوند. توجه به این امر مهم و چاره‌اندیشی درباره اصلاح آن و تغییر روند یاد شده باعث خواهد شد تا علو و برتری مسلمین در برابر کفار و بیگانگان حفظ شده و دچار رخوت و سستی و توسری خوردن توسط بیگانگان و در نتیجه انحراف و



روی آوری به باطل نشوند. این همان حقیقتی است که قرآن کریم نسبت به آن به اهل کتاب هشدار داده است.

در قرآن کریم در رابطه با منحرف ساختن اهل حق از مسیر حق و جایگزینی باطل به جای حق به اهل کتاب چنین هشدار داده است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل عمران / ۷۱). آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌فرماید که این آیه و آیه ما قبل آن اشاره به گمراهی کردن دیگران از روی علم آگاهی دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۶۱۳).

همچنین رهبر معظم انقلاب با در نظر داشتن این مهم که همیشه دانشمندان و مراکز علمی پیشتاز و راهبر و پیشران رشد و توسعه در هر جامعه‌ای هستند، به این قشر مهم و تأثیرگذار در جامعه اسلامی و انقلابی ایران هشدار داده‌اند تا مسیر درست توسعه و پیشرفت را منحصرأ مسیر موجود در دست دشمنان غرب و شرق ندانند و به گونه‌ای دیکته شده از دشمنان نگیرند. زیرا نتیجه طی این مسیر جز وابستگی و تسلط بیشتر غرب و دشمنان بر مقدرات ممالک اسلامی به ویژه جامعه اسلامی و انقلابی ایران نیست. ایشان به‌خصوص به این نکته توجه داده‌اند که تشت رسوایی دشمنان غرب و شرق به صدا درآمده و بسیاری از عقلای آن جوامع خود به آن اذعان کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافتاده‌ی اردوگاه شرق قدیم هم نیست. بحران‌هایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، میدانیم که این بحران‌ها گریبان گیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب». (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴/۰۲/۱۳۸۷)



از دیگر بیانات رهبری انقلاب که به درستی اشاره به نیاز به استقلال علمی و عدم وابستگی علمی به غرب و لزوم توجه به تولید علم دارد این است که می‌فرمایند: «باید دنبال این باشیم که ما تولید علم بکنیم؛ تا کی مصرف کنیم علم این و آن را؟ بله، مانعی ندارد که مثل کالایی که خودمان نداریم، دیگری دارد و از او می‌گیریم و استفاده می‌کنیم، از علم دیگران استفاده بکنیم اما این نمی‌تواند دائمی باشد، این نمی‌تواند همیشگی باشد؛ گاهی علم دیگران درست به ما منتقل نمی‌شود، گاهی آن بخش خوبش را به ما نمی‌دهند، گاهی نو و به‌روز شده‌اش را به ما نمی‌دهند و این اتفاق در کشور ما متأسفانه در سال‌های حکومت طاغوت بارها افتاده؛ ما که نباید تجربه‌ها را مجدداً تکرار بکنیم؛ بنابراین بایستی تولید علم بکنیم». (بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۲۰/۰۳/۱۳۹۷).

تأکید حضرت مقام معظم رهبری بر لزوم تولید علم و به‌روز بودن در حوزه‌های مختلف دانشی به این محور استوار است که، غریبان با محروم نگه داشتن مجامع علمی ما از علوم حقیقی و همه ابعاد علوم و علوم به روز و جدید، همیشه در صدد وابسته نگاه داشتن ما در این حوزه‌ها هستند. این حساسیت‌ها و تأکیدها برای آن است که بر اساس قاعده نفی سبیل یکی از مواردی که باید مراقب نفوذ و تسلط کافر بر مسلمانان بود بحث علم و دانش است. زیرا در صورت فقدان حساسیت‌ها و مراقب‌های لازم و کافی، همانند گذشته خسارات جبران ناشدنی را در پی خواهد داشت. رهبری معظم انقلاب نیز به این خسارات هشدارهایی داده‌اند: «مهندسی فرهنگی و موضوع تحول و نوسازی در نظام آموزشی و علمی کشور اعم از آموزش عالی و آموزش و پرورش و نیز تحول در علوم انسانی که در دوره‌های گذشته نیز مورد تأکید بوده است، هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است، به تعویق افتادن این امور خسارت بزرگی متوجه انقلاب اسلامی خواهد کرد، لذا باید این امور جدی‌تر گرفته شده و با یک بازنگری و



برنامه‌ریزی جدید طی مدت زمان معقول و ممکن به سرانجام خود برسد». (حکم آغاز دوره‌ی جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳/۰۷/۲۶)

به عنوان نمونه سند ۲۰۳۰ یکی از بارزترین مصادیق نفوذ و تسلط استکبار و غرب در آموزش و پرورش کشور، به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی هر کشوری به حساب می‌آید. متأسفانه در سال‌های اخیر بر اثر خیانت و یا کم‌کاری مسئولین، این سند در برخی موارد در آموزش و پرورش کشور حتی به مرحله اجرا نیز رسیده است. اجرای این سند در آموزش و پرورش مصداق بارز تسلط کافر بر مسلمان و سپردن فرهنگ کشور به بیگانگان و به تبع آن از بین بردن فرهنگ غنی کشور است که به شدت در آیات و روایات از آن نهی شده است.

ب) رسانه

یکی دیگر از ابعاد فرهنگی که تأثیر بسیار زیادی در فرهنگ هر جامعه دارد رسانه‌ها می‌باشند. رسانه همان‌گونه که ابزار مهمی در تأثیر گذاری فرهنگی بر دیگر جوامع می‌باشد می‌تواند باعث تأثیر پذیری از دیگر فرهنگ‌ها نیز بشود. از این جهت باید بر اساس قاعده نفی سبیل مراقب نفوذ و تسلط مستکبران بر رسانه‌ها شد. زیرا بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، رسانه خطرناک‌ترین ابزار تأثیر گزار بر ارزش‌های دینی و فرهنگی یک کشور است: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البتّه به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست.» (متن بیانیه گام دوم)



صنعت رسانه و جنگ و رسانه‌ی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ابزارهای جنگ و تهاجم فرهنگی در عصر حاضر است. در رابطه با جنگ رسانه‌ای و تهاجم فرهنگی برخی به این آیه از قرآن کریم استناد می‌کنند: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ» (انعام/۱۱۲)؛ بدین گونه هر پیغمبری را دشمنی نهادیم از دیونهادان انس و جن که برای فریب، گفتار آراسته به یکدیگر القا می‌کنند، اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند پس ایشان را با چیزهایی که می‌سازند واگذار. آن‌ها معتقدند به بیان قرآن کریم، در برابر تمام پیامبران دشمنانی از شیاطین جن و انس وجود داشته است تا میدان آزمایش و تکامل مردم باز باشد و مردم با اختیار خود راه درست را برگزینند. در ادامه به نوع فعالیت شیاطین اشاره شده که کار آنها این بوده که سخنان فریبنده‌ای برای اغفال یکدیگر به‌طور سری و درگوشی به هم می‌گفتند «یُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا» استفاده از سخنان زیبا و خوش ظاهر اما بی باطن و بی مغز کار شیاطین است تا دیگران را بفریبند.

این همان تهاجم گسترده فرهنگی است که، همانند خود فرهنگ، در گستره وسیعی از زمان و مکان توسط گروه‌های مختلفی بر علیه بشریت جریان داشته است. رهبر انقلاب در دیدار مدیران رسانه کشور در این رابطه می‌فرمایند: «امروز رسانه‌ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسان‌ها را القاء می‌کنند و تعیین‌کننده هستند. رسانه‌ها می‌توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان مؤثر باشند؛ می‌توانند در گسترش صلح و امنیت جهانی مؤثر باشند؛ می‌توانند در ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسان‌ها مؤثر باشند و می‌توانند انسان‌ها را خوشبخت‌تر کنند؛ متقابلاً می‌توانند وسیله‌ی برافروختن جنگ‌های خانمان‌سوز باشند؛ می‌توانند عادات و آداب و رفتارهای مضر را در میان مردم رایج کنند؛ می‌توانند ملت‌هایی را از هویت انسانی خودشان و هویت ملی‌شان تهی کنند و می‌توانند احساس تبعیض را در انسان‌ها زنده



کنند. رسانه‌ها امروز نقششان خیلی زیاد است. اگر در سطح بین‌المللی مدیریت و برنامه‌سازی رسانه‌ای بر اساس معیارهای اخلاق، فضیلت، برابری و تکیه‌ی بر مفاهیم واقعی انسانی باشد، ملت‌ها سود خواهند برد. اگر رسانه‌ها برنامه‌سازی و مدیریتشان بر اساس منافع کمپانی‌های اقتصادی، ثروتمندان بین‌المللی، قدرتمندان تمامیت‌خواه و انحصارطلب باشد، یقیناً بشر زیان خواهد کرد». (بیانات در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف ۲۶/۰۲/۱۳۸۵).

در این بیانات به روشنی پیداست که رهبری عظیم‌الشان انقلاب با بهره‌گیری از مبانی و اصول مسلم دینی از جمله قاعده فقهی نفی سبیل به تسلط بیگانگان بر مقدرات فرهنگی و ارزشی ملل مسلمان و مملکت اسلامی ایران هشدار داده‌اند.

ایشان همچنین هرگونه تعلل و سستی در این امر که فراهم‌کننده سلطه فرهنگی بر مملکت اسلامی است را به شدت محکوم و گناهی نابخشودنی می‌دانند. امروزه می‌توان گسترش روز افزون شبکه‌های ماهواره‌ای و خصوصاً شبکه‌های فارسی زبان و شبکه‌های اجتماعی خارجی را که با کم‌کاری و خیانت برخی از مسئولین به‌راحتی در دسترس همگان بوده و هیچ‌گونه نظارتی نیز بر آن وجود ندارد را از مصادیق بارز تسلط رسانه‌ای و فرهنگی کفار بر مسلمانان دانست.

عمده هدف این شبکه‌ها تسلط بر فکر و ذهن جوانان و نوجوانان در جهت تغییر افکار و در نتیجه تغییر فرهنگ و عقاید آنان بوده و علاوه بر این می‌توان از فیلم‌ها و برنامه‌های کودک و انیمیشن و بازی‌های رایانه‌ای نام برد که در کمپانی‌های بزرگ غربی با اهداف خاص ساخته شده و با کمترین قیمت در اختیار کشورهای هدف قرار داده تا بتوانند از این طریق مبانی فرهنگی خود را غالب کنند. و این با مبانی و اصول حاکم بر روح اسلام و مرام مسلمین سازگار نیست.



ج) سبک زندگی

یکی دیگر از ابعاد بسیار مهم و ضروری فرهنگی هر جامعه سبک زندگی می‌باشد. سبک زندگی یا «life style» در علوم اجتماعی غیر از شیوه زندگی یا «way of life» است؛ چراکه شیوه زندگی، مفهومی عام و کلی است که هرگونه شیوه و اسلوب زندگی را در همه تمدن‌ها و ادوار تاریخ بشر اعم از دوران‌های ماقبل مدرن و دوران جدید و حتی پسا مدرن را نیز در بر می‌گیرد». (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۲۰۱). اما «سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارها و الگوهای کنش هر فرد است که به بُعدهای هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی نظر داشته باشد. چنین مجموعه‌ای می‌تواند کلی متمایز را پدید آورد که در کنار دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز باشد گستره سبک زندگی عرصه وسیعی از رفتار آدمی باخدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را در بر می‌گیرد. سبک زندگی اسلامی، توجه به اجرای اسلام با همه ابعاد آن در تمام عرصه‌های زندگی آدمی است و می‌توان در دسته‌بندی مشخص و با ملاحظه ارتباطات سه‌گانه انسان باخدا و خود و خلق، زندگی پرهیزگارانه‌ای ساخت و با تکیه بر متن سخن و سیره معصومان شیوه زیستن را مشتق کرد» (پورامینی، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۱۷-۱۸)

با این تعریف و رویکرد به سبک زندگی که تعریف و رویکرد تقریباً پذیرفته شده‌ای است، سبک زندگی یکی از مهم‌ترین مصادیق و عناصر تشکیل دهنده فرهنگ یک جامعه است. به همین جهت، از دیدگاه رهبری انقلاب سبک زندگی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. ایشان به بهانه‌های مختلف و به گونه‌های متنوع درباره سبک زندگی و اهمیت آن و نقشه‌های دشمنان در ارتباط با رخنه در سبک زندگی جامعه اسلامی و انقلابی و جایگزینی سبک زندگی غربی به جای آن، هشدار داده و روشنگری کردند. از جمله این هشدارها و روشنگری‌ها، تذکرات ایشان در همین ارتباط در بیانیه گام دوم می‌باشد. ایشان در



این ارتباط می‌فرمایند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های غیرقابل جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است». (متن بیانیه گام دوم)

به روشنی پیداست که این هشدارهای به جا و از سر دغدغه ایشان ناظر به مبانی و اصول و قواعد دینی از جمله قاعده نفی سبیل است.

همچنین در روایات ما هم به این مسئله پرداخته شده است از جمله روایت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» (ابن قولیه، ۱۴۱۳: ص ۱۶۳) و این همان سبک زندگی است که از خداوند می‌خواهیم سبک زندگی ما مثل زندگی پیامبر اکرم و اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین باشد.

رهبر انقلاب درجایی دیگر در رابطه با تسلط غریبان بر سبک زندگی و تقلید از غرب می‌فرمایند: «تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

در این بیانات نیز ایشان به مضرات و تبعات شوم سلطه بیگانگان به خصوص غربی‌های استعمارگر بر فرهنگ ممالک اسلامی و محروم، از جمله سبک زندگی به روشنی اشاره



فرمودند. بیان این تبعات منفی و ویرانگر فلسفه و چرایی نفی و طرد این سلطه و سیطره و لزوم مبارزه با آن می‌باشد.

همچنین ایشان علت تسلط غرب بر سبک زندگی ممل محروم و مسلمان، از جمله در کشور ما را، علاوه بر هشیاری و زیرکی و تلاش مضاعف دشمن، خیانت و ضعف و کم‌کاری مسئولان این ممالک دانسته و در این رابطه می‌فرمایند: «دشمن متأسفانه با استفاده‌ی از ضعف و خیانت سران وابسته‌ی نظام‌های اسلامی، از جمله در کشور ما در طول سال‌های پیش از انقلاب، توانسته سبک زندگی خودش را رایج کند. ما اگر بی‌مبالاتی مشاهده می‌کنیم، اگر اسراف مشاهده می‌کنیم، اگر مشکلات گوناگون را در داخل کشور مشاهده می‌کنیم، این به خاطر دور افتادن از اخلاق اسلامی و از سبک زندگی اسلامی است. اگر بخواهیم سبک زندگی اسلامی را حاکم کنیم، باید فرهنگ‌سازی بشود. فرهنگ‌سازی به این وسیله انجام می‌گیرد و شما بهترین کسانی هستید که می‌توانید در میان مردم فرهنگ‌سازی کنید و به معنای واقعی کلمه جریان را به سمت اسلام برگردانید». (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام: ۲۶/۱۱/۱۳۹۸)

این بیانات نشانگر آن است که سبک زندگی در جامعه اسلامی و انقلابی ایران از جمله مهم‌ترین مصادیق فرهنگ است که از گذشته‌های دور مورد هجوم دشمنان اسلام و کفار اجانب بوده و هست و خواهد بود. اما مع‌الاسف، بی‌توجهی به این امر مهم باعث شد دشمن با رخنه در آن توانست تغییرات زیادی هم در بنیادها و هم ظواهر و مظاهر آن ایجاد کند. در مرحله بعدی این خود یکی از کانال‌های ورود و تسلط همه جانبه دشمن بر مقدرات جامعه بوده است. اکنون و س از سال‌های متمادی ما شاهد حضور بسیار پررنگ فرهنگ اجنبی و کفار بر ارکان فرهنگ جامعه اسلامی، از سبک زندگی خود هستیم. توجه به این مطلب در بیانات رهبر معظم انقلاب، به ویژه در بیانیه گام دوم را می‌توان از مهم‌ترین مصادیق توجه به قاعده فقهی نفی سبیل دانست.



نتیجه

همچنانکه گفته شد، قاعده نفی سبیل از جمله مهم‌ترین قواعد فقهی و در بسیاری موضوعات و مسائل علمی و حوزه‌های مطالعاتی از مبانی و اصول زیربنایی محسوب می‌شود. فرهنگ و عناصر و مظاهر گسترده آن در جوامع بشری از جمله جوامع اسلامی و نیز جامعه انقلابی ایران، یکی از حوزه‌های مطالعاتی است که قواعد فقهی، می‌تواند از مبانی و اصول آن شمرده شود. زیرا دست آوردهای علمی، به خصوص در حوزه‌های کاربردی نظیر، اخلاق، آموزش و پرورش، سبک زندگی، و...، که از مظاهر فرهنگ به حساب می‌آیند، همگی مبتنی به مجموعه‌ای از مبانی و اصول هستند که قاعده نفی سبیل از جمله مهم‌ترین آنهاست.

از سویی دیگر، فرهنگ و عناصر و مظاهر آن در یک جامعه، به خصوص جامعه اسلامی و انقلابی مانند ایران، در گذر زمان به علل گوناگون دستخوش تغییرات می‌شود. اگر دست اندرکاران امر در جوامع مراقب این تغییرات نباشند، پس از مدتی آرام آرام مغلوب فرهنگ‌های غالب می‌شوند. حال اگر جامعه‌ای مانند جامعه اسلامی و انقلابی ایران دارای دشمنانی با برنامه‌های دقیق برای تهاجم فرهنگی باشند، این مسئله از حساسیت بیشتری برخوردار خواهد بود. به همین جهت رهبری معظم انقلاب، مانند نگهبانی بیدار و هشیار دائماً در حال رصد امورات فرهنگی جامعه بوده‌اند. ایشان در همه تصمیم‌گیری‌ها و بیانات، از جمله در بیانیه گام دوم انقلاب به این امر مهم توجه دوچندان و فوق‌العاده‌ای را مبذول داشته‌اند. ایشان با دقت و حساسیت زیادی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر مسئله فرهنگ و نیز نگاه تهاجمی دشمن به این حوزه را رصد کرده و با توجه به مبانی دینی و اصول و قواعد پذیرفته شده در دین مقدس اسلام، از جمله قاعده نفی سبیل تذکرات و توصیه‌های لازمی را بیان داشتند. مسائل مربوط به علوم، رسانه و سبک زندگی، از جمله مهم‌ترین اموری بود که به عنوان مصادیق و مظاهر فرهنگ جامعه اسلامی، مورد توجه رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بوده است.



در حوزه علوم، وارداتی بودن مبانی و روش‌های پژوهش در آن و حتی شیوه‌های رایج در دانش‌ها، به گونه‌ای که این از حالت وابستگی محض خارج شده و به صورتی بومی‌سازی و اسلامی‌سازی شود، مورد توجه ایشان بوده است.

در حوزه رسانه، به عنوان بارزترین و تأثیرگذارترین ابزار دشمن برای تسلط همه‌جانبه، و چگونگی مقابله با آن و نیز مجهز کردن جامعه و به ویژه جوانان و نوجوانان، به گونه‌ای که مقهور آن نشده و برخورد فعالی با آن داشته باشند، مورد توجه ایشان در بیانیه بوده است.

و بالاخره، در حوزه سبک زندگی، به عنوان بارزترین صحنه تأثیرپذیر از دشمن در جامعه، که هم گستره وسیع‌تری نسبت به دیگر مظاهر فرهنگ را داشته و همه اعضای اجتماع را در بر می‌گیرد و هم تأثیرپذیری آن بسیار بیشتر از دیگر مظاهر فرهنگ جامعه است، نیز مورد توجه ویژه ایشان بوده است. به بیان ایشان، تأثیر تسلط غریبان بر سبک زندگی مسلمانان در بسیاری از کشورهای اسلامی و از جمله کشور ایران به صورت تغییر در خوراک، پوشاک، رفتارهای درون خانواده، اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی، مباحث اخلاقی و... به وضوح قابل مشاهده است که باید هشیار و نسبت به آن حساس بود.

در مجموع تأثیرپذیری مجموعه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، از قاعده فقهی نفی سبیل غیرقابل انکار است. البته ما در این نوشتار تنها یکی از ابعاد آن، یعنی فرهنگ و مظاهر و عناصر فرهنگ در جامعه اسلامی و انقلابی ایران را بررسی کرده‌ایم. اما جای پژوهش بیشتر و بررسی تأثیرپذیری بیانیه در ابعاد دیگر از قاعده فقهی نفی سبیل هنوز باز است.



منابع

قرآن کریم.

- ۱) ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
- ۲) ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف، نشر دار المرتضویه، ۱۳۵۶.
- ۳) بجنوردی، سید محمد حسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۴) پورامینی، محمدباقر، سبک زندگی؛ منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام، مشهد، انتشارات: قدس رضوی، ۱۳۹۲.
- ۵) خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع، تهران، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۱ ق.
- ۶) سیاح، احمد، ترجمه المنجد لویس مخلوف، تهران، انتشارات اسلام، چاپ هفتم، ۱۳۸۷.
- ۷) صداقتی فرد، مجتبی، جامعه شناسی (کلیات، مفاهیم، پیشینه)، تهران، نشر ارسباران، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- ۸) طاهری، حبیب الله، قواعد فقه، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷.
- ۹) طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ هفتم، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۰) عبدالهی، رسول، مبانی نظری و آثار عملی قاعده نفی سبیل، قم، نشر المصطفی، ۱۴۰۰.



- ۱۱) عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۶.
- ۱۲) فاضل موحدی لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، قم، نشر مرکز فقه الائمه الطهار (ع)، ۱۳۸۳.
- ۱۳) مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، قم، نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۰.
- ۱۴) مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- ۱۵) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ۱۶) مهدوی کنی، محمد سعید، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، ۱۳۸۶.
- ۱۷) نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران، نشر کتاب فروشی خیام، ۱۳۱۸.